



امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ فقر و غنا شروع شده است. امام خمینی (ره)

جنگ نا تمام

ویژه‌نامه‌ی جنگ نا تمام | ویژه‌ی ۲۹ تیر، سالروز صدور پیام قطعه‌نامه توسط امام خمینی (ره)

سر مقاله

جنگ فقر و غنا آتش بس ندارد!

حسن رحیم‌پور ازغدی



باید به حاکمیت تفکر بسیجی در این کشور اندیشید و برای آن برنامه ریخت. نخست، این تفکر باید بیش از پیش در درون دارالحکومه، حاکمیت یابد تا بتوان جامعه را نیز به این سوی پیش آورد. مسئولین (به خصوص در مسئولیت‌های کلیدی) بدون اخلاق بسیجی و آرمان‌های بسیجی نخواهند توانست در این کشور حکومت تمام‌عیار اسلامی برقرار کنند زیرا بدون مردان صالح، اصلاح اجتماع، محال است. بسیجی، پاره‌نه بود، کینه طبقاتی نداشت، اما پاره‌نه بود، اگر تمام جبهه‌ها را می‌گشتیم به گفته امام، یک بچه سرمایه دار هم پیدا نمی‌کردیم. بسیجی‌ها از خانه سرمایه‌دارها بیرون نیامدند. هشت سال در این کشور سیل خون و آتش جاری بود و این فقرای نماز شب خوان این جامعه بودند که تن به هزار مصیبت دادند. امام از جنگ فقر و غنا - که یقیناً یک جنگ حقیقی است و یقیناً یک جنگ طبقاتی نیست - به‌صراحت نام برد ولی برخی همچنان اصرار دارند که از چنین جنگی در اسلام اصلاً و به‌هیچ‌عنوان خبری نیست. ولی خبری هست. رهبر پاره‌نه‌ها از اسلام پاره‌نه گفت. نه یک‌بار بلکه بارها. هیچ‌کس، هیچ‌وقت و هیچ‌عنوانی نمی‌تواند حافظه این مردم را دست‌کاری کند، نمی‌تواند این موضع الهی مرجع تقلید بسیجی‌ها را از یاد ببرد.

وفاداری به جنگ فقر و غنا به‌عنوان جبهه‌ای حساس از جنگ حق و باطل و خدا و طاغوت، از ارکان تفکر بسیجی است و این جنگ، آتش بس ندارد؛ زیرا نبرد عدالت و ظلم، پایانی ندارد و به‌تصریح امام از آدم تا ختم زندگی ادامه دارد.

حق فقرا نزد اغنیاء جامعه است. فقرای جامعه در اموال اغنیای همان جامعه شریک‌اند و اغنیای جامعه در گناهان فقرای همان جامعه شریک‌اند. در تفکر بسیجی، فقیر و غنی را به هم‌زیستی غیرعادلانه توصیه نمی‌کنند بلکه حق فقیر را از غنی می‌گیرند و سپس بین آنان عقد اخوت می‌بندند.

در تفکر بسیجی در اعدام یک مفسد اقتصادی، آن قدر احتیاط نمی‌کنند که دو بار حکم اعدام او از سوی قاضی شرع، تجدیدنظر کنند و سپس او از درون زندان، به مزاج، لطیفه بگویند و دست بیندازند و روزنامه‌نگاران را تهدید به انتقام کنند، اگر همه‌جا چنین احتیاط‌هایی بشود، اگر در حق فقرا و مظلومین، چنین احتیاط‌هایی بشود، این جامعه مشکلی نخواهد داشت.

در تفکر بسیجی، نخست عدالت، سپس رشد اقتصادی، نخست تعدیل ثروت سپس پیشرفت بین‌المللی. نخست فشردن حلقوم غارتگران سپس ارتقاء سطح رفاه، نخست عدالت و سپس هر چیز دیگری.

در تفکر بسیجی، نخست عدالت سپس رشد اقتصادی، نخست تعدیل ثروت سپس پیشرفت بین‌المللی. نخست فشردن حلقوم غارتگران سپس ارتقاء سطح رفاه، نخست عدالت و سپس هر چیز دیگری.

بدون مبارزه مردانه با اتراف، اسراف و تکاثر تمرکزهای مکنده پول در اجتماع، به هیچ پیشرفت انسانی نمی‌رسیم. کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی، هر دو باید برافتند، آن‌ها که پول، قی می‌کنند و مانده‌اند با پول‌هایشان چه بکنند و آن‌ها که دیگر به‌زانو درآمده‌اند، هیچ‌یک انسان‌های مطلوب انبیاء نیستند.

عیاشانی که تکلیف‌ها را پامال کرده و آبروی نظام مقدس و نیز معنویت انقلاب خونین ما را تهدید کرده و جنازه شهدای بسیج را با پوزخند، تشییع می‌کردند، باید در این جامعه پامال شوند و خانواده‌هایی که شهید داده‌اند و محرومیت کشیدند، فقرا و محرومین این جامعه مؤمنین توسری‌خورده بالا بیایند و به‌حق الهی و مشروع خویش برسند. تفکر بسیجی، بندگی خدای متعال است و استرداد حقوق فقرا و محرومین از اغنیاء و مستکبرین جامعه، شعبه‌ای از این تفکر و تکلیف شرعی است.

ما و هرکس مسئولیتی در این نظام به عهده دارد و نیز همه مردم، تکلیف دارند که برای برقراری عدالت اجتماعی قیام کنند و عدالت اجتماعی راهی جز عدالت فردی و تقویت تقوی ندارد. آن تکلیف همین است: قیام برای عدالت فردی و اجتماعی و این جز با ترویج روحیه بسیجی، شدنی نیست.



بخشی از خطبه‌ی نماز جمعه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای

دو روز پس از صدور پیام قطعه‌نامه

معجزه بزرگ انقلاب

صفحه ۲

جزای خیانت یک کار گزار

به امیرمؤمنان علی علیه‌السلام خبر می‌دهند «ابن هرمه» مسئول اقتصادی بازار اهواز، رشوه گرفته است. امام(ع) به ابن رفاعه حاکم اهواز، نامه‌ای کوتاه ولی در نهایت شفافیت و قاطعیت نوشت. ترجمه نامه این است:

«هنگامی که نامه مرا خواندی، ابن هرمه را از نظارت بازار برکنار دار و او را به مردم معرفی کن، و به زندانش بیفکن و آبرویش را بریز، و به همه بخشهای تابع اهواز بنویس که من - علی - چنین عقوبتی برای او معین کرده ام. مبدا در مجازات او غفلت یا کوتاهی کنی، که نزد خدا خوار می‌شوی، و من به زشت ترین صورت ممکن تو را از کار برکنار می‌کنم و خدا آن روز را نیآورد.

و چون روز جمعه رسید، او را از زندان درآور و ۳۵ تازیانه به او بزن و او را در بازار بگردان. و هر کس گواهی آورد که ابن هرمه از او چیزی گرفته است، او را با گواه قسم بده، و مبلغ را از مال ابن هرمه بردار و به صاحب آن بپرداز و دوباره او را خوار و سر افکنده و بی آبرو به زندان بازگردان، و پاهایش را در بند بگذار، و تنها برای نماز باز کن و فقط اگر کسی برایش خوراک یا نوشیدنی یا پوشاک یا زیر اندازی آورد به او برسان.

مگذار ملاقاتی داشته باشد، تا مبدا راه پاسخگویی به محاکمه را به او یاد دهند و به آزاد شدن از زندان امیدوارش سازند. و اگر دانستی که کسی چیزی(عذری) به او آموخته است که به مسلمانی زبانی می‌رساند، او را نیز تازیانه بزن و زندانی کن تا توبه کند.

شبها زندانیان را به فضای باز بیاور تا تفریح کنند، جز ابن هرمه! مگر بترسی که بمیرد، در این صورت او را نیز به حیاط زندان بیاور و اگر دیدی هنوز طاق‌ت تازیانه خوردن دارد، پس از ۳۰ روز، ۳۵ تازیانه دیگر - به جز ۳۵ تازیانه نخستین - به او بزن. و برای من بنویس که درباره بازار(و نظارت بر آن) چه کردی، و پس از این خائن، چه کسی را برگزیدی، در ضمن حقوق ابن هرمه خائن را نیز قطع کن»

امام (ع) نه تنها به فرماندار اهواز دستور مخفی کردن و پوشاندن مسأله را نمی‌دهد، بلکه فرمان می‌دهد او را رسوا کند تا همه بدانند و بشناسند. او خیانت کرده و آبروی حکومت دینی و خدا را ریخته است، پس تو هم آبروی او را بریز.

دو نظریه اینجا هست. عده‌ای می‌گویند اگر متهمان مفاسد اجتماعی را معرفی کنید و صدایش را در بیاورید، آبروی حکومت دینی می‌رود.

اما نظر علی(ع) این است که اگر معرفی نکنید و صدایش را در بیاورید، آبروی حکومت دینی می‌رود!

در قسمتی از عهدنامه مالک، به او می‌آموزد:

اگر کسی از کارگزارانت و یا نزدیکانت خیانتی کرد و به اموال مردم و بیت المال مسلمانان دست درازی کرد، او را به خواری و مذلت بکش، و نشان خیانت را بر او ببند و گردن‌بند ننگ و تهمت را بر گردنش بیفکن.

جنگی که بود، جنگی که هست...

آن روزها که در جبهه هر زیارت عاشورا مقدمه عملیاتی بود که خون قلب بسیجی‌ها را به خود می‌خواند، ضد انقلابهای مذهبی هزار هزار بار ذکر گفتند و توسل پیدا کردند و اشک ریختند و خون از دماغ هیچ‌کدامشان نیامد.

ضد انقلابهای مذهبی دوست داشتند برای حسینی گریه کنند که به تاریخ پیوسته است. حسین زنده برای آنها خطرناک بود. همان‌گونه که برای اهل کوفه. ممکن بود از حنجر چنین حسینی هر لحظه ندای «هل من ناصر ینصرنی» فوران کند.

اما این روزها چه بسیار ضد انقلابهای انقلابی که می‌خواهند همان بلایی را که ضد انقلابهای مذهبی بر سر بزرگ ترین حماسه تاریخ آوردند با دفاع مقدس تکرار کنند.

می‌خواهند در سوگ «جنگی که بود»، «جنگی که هست» را بپوشانند و بفراموشانند. حاضرند - تا دلتان بخواهد - برای «جنگی که بود» نوحه‌سرایی کنند و به یاد شهیدایش اشک بریزند به شرط آنکه در همان تاریخ و جغرافیا باقی بماند و پایش را از گلیمش درازتر نکند. جنگ به درد امروز ما نمی‌خورد.

ولی حضرت روح الله دستاورهای جنگ را برمی‌شمرد:

- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر کرده‌ایم.

- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.

- ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.

- و از همه اینها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت...

و اما کدام اسلام انقلابی؟

به احترام خون شهدا خواهرم حاجت، برادرم نگاهت و دیگر هیچ! آیا فقط همین؟ شده است بگوئیم؟

- به احترام خون شهدا بیت‌المال را غارت نکنید.

- به احترام خون شهدا مبارزه با فقر و فساد و تبعیض را به رسمیت بشناسید.

- به احترام خون شهدا به بدن نحیف منصور نظری‌ها و کارگران شلاق نزنید.

- به احترام خون شهدا به فکر محرومین و مستضعفین عالم باشید و دست از مبارزه با آمریکا نکشید.

مگر می‌شود از شهدا گفت و اهل مبارزه نبود؟

جنگ هشت ساله نمرده است که برایش مجلس ختم بگیریم. جنگ هشت ساله شهید شد. و شهید زنده است. و خون شهید در همه رگهای جامعه جاریست...

و فرمود: «امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، جنگ پاره‌نه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است...»



وحید جلیلی



...امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیره‌های بلا و حوادث سخت و برابر همه توبه‌ها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم...

فرازی از پیام پذیرش قطعه‌نامه امام خمینی (ره)

مرز قدرت بزرگ جهان نرساند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید جنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً آمریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است...

...امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پاره‌نه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است...

...ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پاره‌نگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم...

...مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورد. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لا اقل خود را به





وبسایت: Mostazafin.TV
تلگرام: @Mostazafin_TV
اینستاگرام: @Mostazafin.tv

ویژه‌نامه‌ی جنگ ناتمام | ویژه‌ی ۲۹ تیر، سالروز صدور پیام قطعنامه توسط امام خمینی (ره)

جنگ ناتمام

جنگی که فراموش شد

چند سالی می‌شود که تا حرف از قطعنامه‌ی ۵۹۸ به میان می‌آید، آنچه به عنوان مسئله‌ی اصلی، محل بحث و جدل واقع می‌شود، یافتن عاملان تحمیل قطعنامه به امام است. مسئله‌ای که حتماً واجد اهمیت است و باید در آن کنکاش کرد. اما اینکه این موضوع، بقدری بزرگ شود که حتی مجال و انگیزه را برای توجه به پیام امام به مناسبت پذیرش قطعنامه بگیرد، قطعاً خطاست. با هر تحلیلی، امام (ره) وقتی قطعنامه را پذیرفت، مانیفست شورانگیز انقلاب را به بهانه‌ی این واقعه منتشر کرد تا هم یأس و دل‌مردگی آن روزگار نیروهای انقلاب را درمان کند و هم مسیر پیش رو را ترسیم کند. ایشان در حالیکه غالب انقلابی‌ها، بواسطه‌ی پذیرش قطعنامه، آمال آرمانی خود را نافرجام می‌دیدند، جبهه‌ای فراخ و حساس و حیاتی را برای آنها گشود تا بدانند که جنگ، نه تنها تمام نشده که تازه آغاز شده. جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و ...

به کانال تلگرامی ابتدا بپیوندید...

بخشی از خطبه‌ی نمازجمعه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای دو روز پس از صدور پیام قطعنامه

معجزه‌ی بزرگ انقلاب



آن‌ها بود. عدالت اجتماعی یعنی آن چیزی که در آیه‌ی قرآن به‌عنوان هدف از ارسال رُسُل و بعثت انبیاء معرفی شده است: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» آمدن پیغمبران برای این است که در جامعه عدالت اجتماعی باشد. پیغمبران آمده‌اند تا گردن کلفت‌های جامعه، مفت‌خورهای جامعه، زالوصفتان جامعه، استثمارگران جامعه، زراندوزان جامعه، بی‌دردان و بی‌غمان مرقه جامعه را سر جای خودشان بنشانند و مستضعفان، محرومان، پابرهنگان را به حقوقشان برسانند. این بایستی هدف اصلی انقلاب باشد، در قوانین، در اجرائیات، در برخورد مأمورین با مردم، در ارزش‌گذاری در سطح جامعه، در گفتن‌ها، در تبلیغ‌ها باید در رأس امور قرار بگیرد. اگر عدالت اجتماعی در جامعه‌ای نباشد، هدف‌های دین یعنی تکامل انسانی به هیچ وجه بدست نخواهد آمد در سطح عموم جامعه؛ و خاصیت بزرگ

اگر ما می‌خواستیم که حق سخن را در این باره ادا بکنیم باید پیام بلند زیبای استثنایی ماندگار تاریخی رهبر و امام عزیزمان را در این جا مطرح می‌کردیم و در پیرامون آن حرف می‌زدیم. حقیقتاً این پیام یکی از آیات و معجزات بزرگ این انقلاب است؛ این پیام، لوحه‌ی زرین پاک‌نشده‌ی است که بر سَرَدَر این انقلاب و بر پیشانی و کتیبه‌ی این نظام عظیم اسلامی، تا ابد خواهد ماند... در ستایش این پیام، ساعت‌ها باید سخن گفت و در تفسیر این پیام عمری را باید صرف کرد... این پیام باید فرهنگ جامعه‌ی ما بشود... این پیام باید آن قدر تکرار بشود، آن قدر بر سر منابر و تریبون‌ها گفته بشود که شرح و توضیح داده شود، آن قدر باید جزوه و کتابی که حاوی این پیام خواهد شد، در خانه‌ها بوسیله‌ی پدران و مادران و جوانان بزرگ خانواده برای دیگران خوانده بشود، آن قدر باید این پیام در زبان‌ها و دل‌ها و ذهن‌ها بگردد تا رنگ ثابت ملت ما و فرهنگ ناستردنی انقلاب ما بشود... مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسأله‌ای که امام بر روی آن تکیه می‌کنند مسأله‌ی عدالت اجتماعی است و از بین رفتن تمایزات فقر و غنا به شکل وحشتناکی که بر اثر تحمیل دشمنان در این جامعه بوجود آمده و متأسفانه همچنان در بخش مهمی هنوز ادامه دارد. عدالت اجتماعی یعنی در جامعه فقیر نباشد؛ یعنی خیرات و برکات جامعه تنها به سود یک دسته‌ی از مردم و به زبان اکثریت قاطع مردم مصرف نشود... محرومان و پابرهنگان مورد توجه ویژه‌ی امام امت‌اند؛ این‌ها لشکریان اصلی و حقیقی انقلابند؛ این‌ها کسانی هستند که در طول تاریخ، پشت سر پیغمبرها، همین‌ها ایستاده‌اند؛ آن‌ها کسانی هستند که دشمنان و مخالفان پیغمبران آن‌ها را «ارذلون» یعنی طبقات پست معرفی می‌کردند، اما پیغمبران عظیم‌الشان الهی آن‌ها را خودی‌های نهضت و حرکت الهی خودشان می‌دانستند و همتشان برای

و نشانه‌ی بزرگ جامعه‌ی اسلامی در مقابل جامعه‌ی طاغوتی همین است. جامعه‌ی اسلامی آن جامعه‌ای است که وقتی نگاه می‌کنند، در آن از تبعیض و ظلم و نابرابری‌ها هیچ نشانه‌ای نباشد؛ در آن فقر و از محرومیت خبری نباشد. ما باید همت کنیم. استکبار جهانی و ایدای و مزدورانش در این سال‌ها بعد از انقلاب با پیش آوردن مسائل و مشغولیت‌های فراوان ما را از این کار عقب انداختند. ما باید در این ده سال در این زمینه بیش از این پیش می‌رفتیم. این یک پیام بسیار مهمی است. آنچه باید قانون بشود، آنچه باید در قوانین تجلی پیدا کند، آنچه باید مسئولین کشور در گفتارشان و در عملشان و در اجرائیاتشان و در روش زندگیشان، -بخصوص در روش زندگیشان- آن را نشان بدهند، این است. نکته‌ی دیگری که امام تکیه می‌کنند، خطر رفاه‌طلبی است. خطر رفاه‌طلبی مخصوص آن کسانی نیست که به عنوان مرفهین جامعه و بی‌دردها و بی‌غم‌ها شناخته شدند؛ آن کسانی که دل در گرو انقلاب دارند، آن‌ها هم باید خودشان را از شر شیطان رفاه‌طلبی و راحت‌طلبی حفظ کنند. این شیطان، وسوسه‌گر است؛ این شیطان، بسیار -برای نفوس ضعیف- پرجاذبه است. نباید به دام رفاه‌طلبی بیفتند، نباید به دنیاطلبی رو بیاورند. آن کسانی که بعنوان سربازان انقلاب و راهروان انقلاب یا پیشروان انقلاب شناخته شده‌اند، و این بیشتر توجه‌ش به ما مسئولین است، ما باید خیلی مواظب خودمان باشیم از اینکه به دام رفاه‌طلبی نیفتیم. این پیام را یکایک مجریان کشور، یکایک مسئولان، یکایک نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یکایک علما و روحانیونی که در مصادر امور قرار دارند باید مورد توجه قرار بدهند. حقیقتاً اگر ما بخواهیم قدر این پیام را بدانیم و از آن قدردانی بکنیم، باید این‌ها را تکرار کنیم، تکرار کنیم، بگوئیم، بیاندیشیم، تعلیم بدهیم، یاد بگیریم تا به صورت یک فرهنگ در جامعه در بیاید.

دفاع مقدس بی‌هویت!!

امروز با گذشت حدود سه دهه از جنگ ضرورت بازگشت به تحلیل امام خمینی از دفاع مقدس ضروری می‌نماید. امام در این تحلیل یک چارچوب کلی به دست می‌دهد که شامل چند دوگانه‌ی محوری است. یکی از این دوگانه‌های مفهومی، «جنگ حق و باطل» است. جنگ حق و باطل اشاره به ماهیت اعتقادی (صحیفه امام ج ۲۱: ص ۶۹) و عقیدتی (صحیفه امام ج ۲۱: ص ۸۷) دفاع مقدس دارد و مفهوم جنگ هشت‌ساله را از دو قید مهم رهایی می‌بخشد: یکی قیود تاریخی و دیگری سرحدات جغرافیایی. از منظر امام خمینی دفاع مقدس، بخشی از یک جنگ است که «از آدم تا خاتم» (صحیفه امام ج ۲۱: ص ۲۸۴) ادامه داشته و دارد. قید مهم دیگر نیز جغرافیاست یعنی جنگ محدود به مورد خاص تجاوز عراق به مرزهای جنوبی و غربی ایران نیست؛ و این یعنی تبدیل دفاع مقدس به یک مفهوم کلان که قابلیت‌های فراوانی برای بازتولید دارد. این کلان‌نگری اگر چه باعث می‌شود جنگ محدود به تاریخ و جغرافیا نباشد اما یک آسیب محتمل را در کمین آن قرار می‌دهد: اگر دفاع مقدس خوبی بی‌مکان و بی‌زمان است چرا همه آن را بازتولید نکنند؟ چرا سرمایه‌داران یا متحجران و مقدس‌مآبان ضد انقلاب یا بی‌تفاوت نسبت به انقلاب، چرا مدیران ناکارآمد و سیاست‌مداران و دیگران، نتوانند آن را با نگاهی ابزاری بازتولید کنند؟ چرا این‌ها نتوانند اردوی راهیان نور ببرند و یادواره‌ی شهدا برگزار کنند؟ چه چیزی بهتر از دفاع مقدس می‌تواند برای آن‌ها یک منبع رایگان تولید مشروعیت باشد؟

اما امام خمینی با تعریف «هویت دفاع مقدس» آن را طوری معرفی می‌کند که هیچ سرمایه‌دار زالوصفت و یا هیچ متحجر مقدس‌مآب و یا انسان غرب‌زده و نه هیچ کس دیگری؛ اگر هم بخواهد نتواند دفاع مقدس را مصادره و از آن خود کند. این دوگانه‌ی مفهومی، «جنگ فقر و غنا» است. امام خمینی اصل دفاع مقدس را در نهضت مقدس فقر و غنا تحلیل می‌کنند. امام خمینی در پیام قطعنامه می‌فرمایند: «امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنگ‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است.» با این تعریف دیگر نه آن غرب‌زده یا سرمایه‌دار می‌تواند به بازتولید جنگ، با این چارچوب معنایی بپردازد و نه آن متحجر، در حالی که از منظر امام خمینی جنگ فقر و غنا یک چارچوب اصیل در تحلیل دفاع مقدس است که هم فراتاریخی است (صحیفه امام ج ۲۱: ص ۲۸۴) و هم فراجغرافیایی (صحیفه امام ج ۲۱: ص ۸۵). دعوت و فراخوان امام خمینی به این جنگ نیز وجهی کاملاً جهانی دارد (صحیفه امام ج ۲۱: ص ۸۵) جهت مطالعه بیشتر به وبلاگ tabagheh3.ir مراجعه کنید.

تقسیم عادلانه

من هم‌سن و سال پسر تو هستم، تو هم‌سن و سال پدر من هستی. پسر تو درس می‌خواند و کار نمی‌کند، من کار می‌کنم و درس نمی‌خوانم. پدر من نه کار دارد، نه خانه، تو هم کار داری، هم خانه، هم کارخانه؛ من در کارخانه‌ی تو کار می‌کنم. و در این کارخانه همه چیز عادلانه تقسیم شده است: سود آن برای تو، دود آن برای من. من کار می‌کنم، تو احتکار می‌کنی. من بار می‌کنم، تو انبار می‌کنی.

۲۹ تیر امام خمینی پیامی را صادر کرد که به فرموده‌ی رهبر انقلاب لوحه‌ی زرین، سَرَدَر انقلاب، و کتیبه نظام اسلامی است و باید آن قدر تکرار می‌شد، آن قدر بر سر منابر و تریبون‌ها گفته می‌شد، آن قدر جزوه و کتاب می‌شد، در خانه‌ها بوسیله‌ی پدران و مادران و جوانان بزرگ خانواده برای دیگران خوانده می‌شد، آن قدر در زبان‌ها و دل‌ها و ذهن‌ها می‌گشت تا رنگ ثابت ملت ما و فرهنگ انقلاب ما شود. از پیام قطعنامه، فقط جام زهرش را شنیده‌ایم، ولی «جنگ فقر و غنا» یش را ندیده‌ایم! برای پایان جنگ بسیار نوحه‌سرایی کرده‌ایم، ولی مارش «امروز جنگ شروع شده است» را ننواخته‌ایم! باید ۲۹ سال سانسور پیام قطعنامه را پایان دهیم. کارهایی که می‌توان انجام داد: ۱. برگزاری نشست در روز ۲۹ تیر با موضوع تبیین پیام قطعنامه ۲. اکران ویدئوهای مرتبط با ۲۹ تیر ۳. برگزاری حلقه‌های جمع‌خوانی پیام قطعنامه ۴. تبیین چهره به چهره ۵. تکثیر و توزیع پیام امام به صورت کامل یا گزیده در مساجد، نمازجمعه و ...



گفتاری از سیداحمد خمینی
جنگ بنیادین
جنگ بین فقر و غنا از تعالیم همه ادیان الهی است. علما اگر بخواهند وارث راستین انبیاء باشند نباید از مالی دنیا چیزی به ارث بگذارند و باید همواره جنگ بین فقر و غنا را سرلوحه رفتار و سلویشان قرار دهند. علما، مربیان و معلمان باید مسیر، تعلیماتشان به پیروی از پیامبران جنگ بین فقر و غنا باشد برابر با قسط در تمام زمینه هاست. در مکتب ما همانند سایر مکاتب الهی جنگ بین فقر و غنا از جنگ‌های مقدس و بنیادین محسوب می‌شود و این جنگ در تمامی طول تاریخ تا نابودی ظالمین، همانند نماز و سایر واجبات دینی برای ما از طرف پیامبران ترسیم شده است و حکم عبادت را دارد. علما، معلمان و مربیان از انبیاء تعالیم الهی را به ارث می‌برند و تبیین جنگ بین فقر و غنا از تعالیم گرانقدر پیامبران است. ۱۵/۸/۷۰
*ماهنامه بیان، آذرماه ۱۳۷۰، شماره ۱۴، صفحه ۲۴